

میدون و سوفیا

سگ‌ها و گاوها در جامعه



پوریا عالمی

● مسئولان کرمان مانند باقی مسئولان مملکت ۲۴ ساعته و نان‌استاپ افتاده‌اند روی این موضوع که مشکلات کشور را شناسایی، کشف و خنثی کنند تا آب توی دل مردم ایران تکان نخورد. با همین دست‌فرمان، دیروز فرماندار شهرستان کرمان که توانسته بود بعد از مدت‌ها کار کارشناسی، مشکل اصلی مردم را پیدا کند، گفت: «تعداد سگ‌ها در کرمان رو به افزایش است». خوشبختانه فقط سگ‌ها در کشور دارند زیاد می‌شوند و از بابت گاوها و گوساله‌ها جای نگرانی نیست و جمعیت آنان تغییری نکرده است. مردم سؤال می‌کردند چرا این‌قدر پاچه ما گرفته می‌شود؟ که طبق گفته مسئولان مشخص شد دلایلش زیاده‌شدن سگ‌ها در جامعه است. از طرفی فرماندار کرمان گفته: «وجود سگ‌ها در کرمان به جز مشکلات بهداشتی، مشکلات فرهنگی نیز ایجاد کرده و در خانه‌ها نیز سگ نگهداری می‌کنند که مشکلات زیادی را برای همسایگان در آپارتمان‌ها ایجاد کرده است». که این نشان می‌دهد مسئولان نه‌تنها نگران ما هستند که نگران همسایه‌های ما هم هستند. مسئولان گفتند تنها مشکل مملکت الان این است که مردم سگ دارند که برنامه‌ریزی کردیم مثل ماهواره بریزیم و سگ‌ها را جمع کنیم تا دوباره آرامش به مردم عزیز بازگردد. جمع‌بندی سوفیا... عشقم... شهرداری دارد سگ‌ها را جمع می‌کند و من نگران چشم‌های تو هستم. عاشق سگی تو؛ میدان دوم

پیشخوان

«ناگهان» با شاخ آمد

● از امروز، هشتم دی، در کیوسک‌ها و کتاب‌فروشی‌های تهران و دیگر مراکز استان‌ها مجله جدیدی مخصوص نوجوانان قابل تهیه است. «ناگهان» دهه هفتادی و هشتادی‌ها را مخاطب خود می‌داند و می‌خواهد پژواک صدای آنها باشد و تلاش دارد خلاف جریان رودخانه حرکت کند. ناگهان در هر شماره به یک پرونده خاص می‌پردازد. شماره اول آن با موضوع شاخ و شاخ‌بازی منتشر شده است. آرش تنهایی؛ صاحب‌امتیاز و پوریا عالمی؛ رئیس شورای نویسندگان آن است و نویسندگانی مانند شرمین نادری، حمیدرضا ششجوانی، امیر مولایی، پیمان قدیمی، علی مسعودی‌نیا، محمد حسینی‌مقدم، حسام مقامی‌کیا، شهزاد همتی، حسین کنجی، مهراوه فردوسی، امیر بهاری و... با آن همکاری دارند. مدیر هنری ناگهان، مهدی فاتحی و دبیر عکس آن حمید جانی‌پور هستند. همچنین جمعی از نویسندگان تازه‌قلم دهه ۷۰ و ۸۰ ناگهان را همراهی می‌کنند.

در ستایش عاج، اسرار شخص شاخ‌آدار، در ستایش کلمات، سرزمین واژه‌ها، عشق اول و آخر من گاری کوپر، گفت‌وگویی با لیلی گلستان، شاخ‌ومتر، پنج شاخ ناکام، شاخ شاهان شاه شاخان، شاخ هایم، شاخ رو پیشانی و خط تولید کارخانه شاخ‌سازی از جمله مطالب این شماره است. کمیک‌استریپی از سروش رضایی با عنوان «من رو ببین تا پولدار شوم» می‌تواند حسن‌خام این نشریه باشد. مراسم رونمایی این نشریه در پاساژ ملل با حضور جمعی از هنرمندان و نویسندگان روز پنجشنبه برپا شد. به امید آنکه «ناگهان» فعالیتش ادامه‌دار و پاینده باشد.

شرق روزنامه

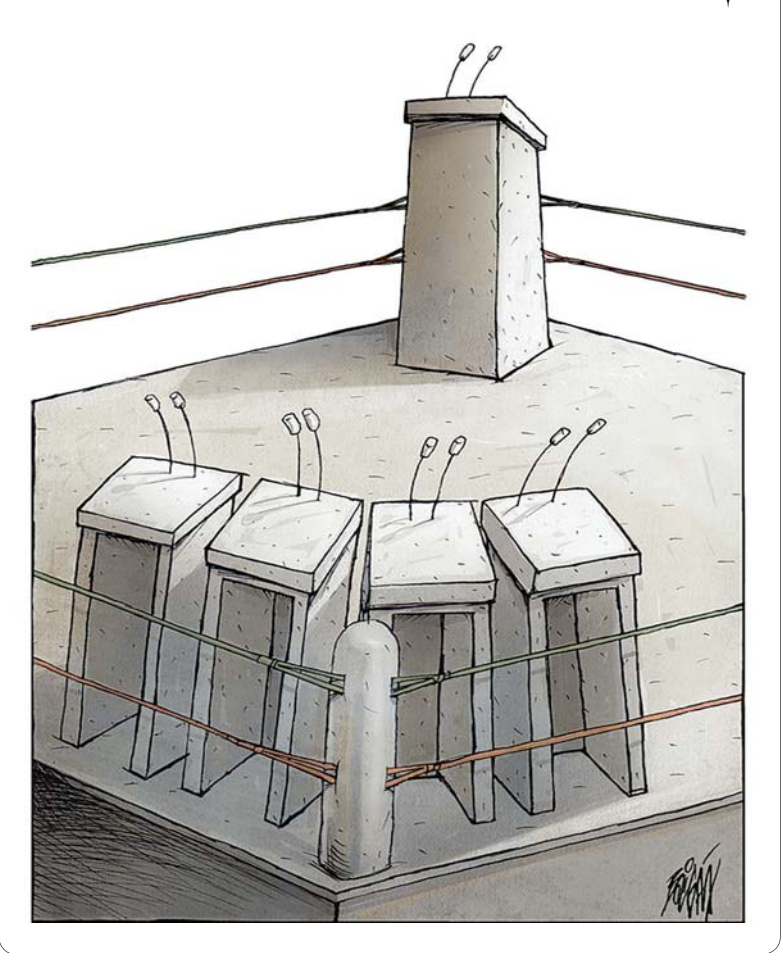
www.sharghdaily.ir

شنبه ۸ دی ۱۳۹۷ • ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ۲۹ دسامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۲۸ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۰۶ • اذان مغرب ۱۷:۲۰ • اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

آتجل بولیگان



آن‌سوی دنیا

زن و شوهر تحسین‌برانگیز

گالوپ: پس از ۱۷ سال نام دیگری غیر از هیلاری کلinton به‌عنوان زن تحسین‌برانگیز سال انتخاب شد. میشل اوباما در سال ۲۰۱۸ توانست از سوی ۱۵ درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی مؤسسه گالوپ به‌عنوان تحسین‌برانگیزترین زن انتخاب شود و به‌این‌ترتیب میشل اوباما و باراک اوباما به‌عنوان زوج تأثیرگذار جهان در سال ۲۰۱۸ انتخاب شدند. بیش از هزار نفر در این نظرسنجی گالوپ شرکت کرده بودند. باراک اوباما برای یازدهمین سال پی‌درپی در صدر فهرست تحسین‌برانگیزترین مرد جهان قرار گرفته است.



گالوپ فهرست تحسین‌برانگیزترین زنان و مردان در آمریکا را از ۱۹۴۶ هر سال (به‌جز ۱۹۷۶) تهیه می‌کند و هیلاری از سال ۱۹۹۳ که به کاخ سفید راه یافت تا سال گذشته به‌جز دو سال که مادر ترزا بر صدر این فهرست قرار گرفت و سال ۲۰۰۱ که لورا بوش در صدر این فهرست بود، همیشه به‌عنوان تأثیربرانگیزترین زن

مدتی است واژه‌ای که از دنیای مدرن غربی به ارمنغان آمده، واژه سلبریتی، ذهنیت اجتماعی مردم، اعم از جوان و پیر و زن و مرد را به خود مشغول کرده است. شاید در کلام اول بتوان گفت این ارمنغان مدرنیته مثل بسیاری از دستاوردهای مدرنیته و دنیای مدرن بدون بسترسازی لازم فرهنگی و فکری وارد جریان فکری جامعه ایرانی شده است. به عبارت دیگر بیشتر همانند قطعه خوروبی است که خودروی آن و به‌مراتب اولی، سرویس‌دهنده و تعمیرکار آن هنوز وارد نشده است. بدون شک عنوان سلبریتی بیش از آنکه بر یک مرجعیت تأثیرگذار و اثرآفرین مبتنی باشد، صرفا حکایت از شهرت و نام‌آوری دارد. مقوله یا مفهوم شهرت از زمانی که انسان اجتماعی شدن را پذیرفته، همراه او بوده است، اما نکته مهم اینجااست که «شهرت» معنادر و اصیل چگونه شهرتی است. به نظر نگارنده همین‌جاست که واقعیت سلبریتی‌ها را روشن می‌کند. اگر بپذیریم جامعه مدرن یک جامعه دانش‌محور و دانایی‌محور باشد، نه صرفا یک جامعه سرمایه‌دار و مبتنی‌بر اندیشه فردگرایی، باید پذیرفت که سلبریتی آنگاه در جامعه تأثیرگذار است (فشار از کمیت طرفداران) که در یک روند اندیشیدن معنا پیدا کند؛ فرایند کسب دانش که از تولید پرسش شروع شود و با اندیشه‌ورزی و فلسفیدن به پاسخ برسد.



عبدالله نامری

ما، هم در فرهنگ دینی و تاریخی خود و هم در فرهنگ جوامع دیگر به یاد داریم که تفکر و اندیشیدن جز در خلوت‌گزینی معنا پیدا نمی‌کند و اهمیت این تفکر در خلوت آنجاست که در فرهنگ روایی و حدیثی ما مسلمانان یک ساعت آن از ۷۰ سال عبادت برتر شمرده شده است. ازهمین‌روست که انسان‌ها وقتی به گذشته خود می‌نگرند و از آن الهام می‌گیرند و به عبارت دیگر با افتخار به آن گذشته، برای آینده خود تصویری ارائه می‌دهند، همیشه سراغ عالمان، اندیشمندان و فلاسفه خود رفته‌اند؛ چه در دنیای شرق که الگوهای فکری از زاویه و خانقاه بیرون آمده‌اند و چه در جهان غرب که این الگوها کسانی غیر از راهبان و صومعه‌نشینان بوده‌اند. به این معنا انسانی که بتواند خود را در جهان خلوت‌شده یا یک خلوت‌نشینی معنادر مدیریت کند و در آن دنیای خلوت، ایدئال‌ها و آرمان‌های خود را برگزیند، می‌تواند جهانی معنادر مبتنی‌بر دانش و فضیلت را برای خود تصویر کند.

ازهمین‌روست که شاید چهره‌های تأثیرگذار در حیات بشری؛ چه در دنیای شرق و چه در جهان غرب کسانی بوده‌اند که از مشهورشدن گریزان بوده‌اند؛ شهرت را نه یک فضیلت که یک آفت می‌دانستند و خود برای منصوب‌شدن به‌عنوان یک قهرمان یا ستاره بزرگ تلاش نمی‌کردند، بلکه در پی انتخاب‌شدن توسط مردم و جامعه بوده‌اند. به همین جهت است که در جوامع بشری چهره‌ها و ستارگان انتصابی جایگاهی به‌مراتب نازل‌تر و پایین‌تر از چهره‌های انتخابی دارند. حتی در دنیای توسعه‌یافته و مدرن امروز که یکی از مؤلفه‌های

تجربه دیگران

چرا آزادی تجمع هنوز مهم است

یان ورثر مولر، استاد علوم سیاسی دانشگاه پرینستون و نویسنده کتاب «یوپولیسم چیست»، در مقاله‌ای با عنوان «چرا آزادی تجمع هنوز مهم است» به این نکته پرداخته که با وجود صحبت‌هایی که امروز درباره سقوط مفهوم دموکراسی گفته می‌شود، آزادی تجمعات و امکان اعتراض مهم‌ترین زمینه بروز و حیات دموکراسی است و ابراز نظر در فضای مجازی نمی‌تواند جاسی آن را بگیرد. بخش‌هایی از این مقاله را می‌خوانیم.

اکنون می‌دانیم بسیاری از دموکراسی‌ها در سراسر جهان تحت فشار قرار دارند. اما این روزها چنان‌که لازم است، به تهدیدهای روزافزون برای حقوق اساسی دموکراتیک توجه نمی‌شود. دولت‌ها به روش‌های مختلف امکان تجمع و اعتراض را برای شهروندان سخت‌تر می‌کنند. محدودیت‌های جدید درباره حق تجمع اغلب با توجیه‌های دروغین مانند «امنیت عمومی» ایجاد می‌شود. در ایالات متحده، دولت ترامپ ادعا می‌کند هزینه‌های تمیزکردن خیابان پس از تظاهرات زیاد است و این به دولت اجازه می‌دهد تا جلوی تجمعات اعتراضی را بگیرد و در ۸۰ درصد از پیاده‌روهای اطراف کاخ سفید برای تجمعات مانع درست کند.

به همین ترتیب، ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان، به‌تازگی قوانینی را تصویب کرده است که تجمع اعتراضی مردم در اطراف مجتمع‌های خصوصی و آثار تاریخی ملی را دشوار می‌کند و اعتراضات بالقوه را عامل «آفتشاد» در جریان معمول تفکر معرفی می‌کند. مقامات همچنین می‌خواهند تظاهرات را ممنوع کنند؛ مناسب‌های دولتی با توجیه‌های مبهم، دولت اکنون می‌تواند تظاهرات خیابانی را عملاً غیرممکن کند.

برخی ممکن است ایجاد مانع برای حق تشکیل تجمعات را تهدیدی جدی برای دموکراسی تلقی نکنند و لاقال آن را به‌اندازه بی‌عدالتی در امکان دسترسی به پارلمان و سرکوب رای‌دهندگان جدی ندانند. هرچه باشد، با توجه به امکانات به‌ظاهر بی‌حدوحصر برای تجمع، در دسترس‌بودن فضای فیزیکی در عمل ممکن است کمتر مهم شمرده شود. اما واقعیت این است که تظاهرات در خیابان‌ها و میدان‌های عمومی برای زندگی دموکراتیک ضروری است. آزادی اجتماعات از سنت حق نظم در پادشاهان گرفته شده است. از لحاظ تاریخی، همیشه این حق با محدودیت‌های بیشتری مواجه بوده است تا آزادی بیان، حتی در بسیاری از دموکراسی‌های کارا نیز مقامات دولتی سعی می‌کنند جمعیت را از ساختمان‌های رسمی دولتی دور نگه دارند. مثلاً در آمریکا، تا اوایل دهه ۱۹۷۰ تظاهرات‌کنندگان نمی‌توانستند به کنگره نزدیک شوند، تا آنکه دیوان عالی در نهایت این استدلال را رد کرد که کاپیتول هیل فضایی خاص است و باید بری از اجتماع توده مردم باشد. بااین‌حال، تا امروز به جمعیت‌های تظاهرات‌کننده به‌طور معمول به عنوان آوباش کنترل‌ناپذیر نگاه شده است. اما آیا اعتراض در اطراف ساختمان‌های دولتی خاص واقعا ضرورتی دارد؟ شاید امروز اینترنت این نیروی دموکراتیزم‌سازی انکارناپذیری به‌نظر نرسد که در ابتدا می‌پنداشتند، اما فرصت‌های گسترده‌ای برای «اجتماع» و ابراز مخالفت آنلاین پدید می‌آورد. نمونه‌شان فعالیت‌ها ام‌گوزنالس، نوجوانی پیش‌تر ناشناخته اهل فلوریدا که توانست یک‌شنبه دو برابر اعضای «انجمن ملی اسلحه» را در مخالفت با سلاح گرم «جمع» و ۱.۶۶ میلیون کاربر توئیتر را پس از کشتار پارکلند برای وضع مقررات کنترل اسلحه و مخالفت با لابی تفنگ ایالات متحده بسیج کند. بااین‌حال، تجمع در فضای واقعی تأثیری دارد که فعالیت آنلاین، هر چه هم پیوسته یا پرشور باشد، قادر به آن نیست. از این‌رو در جنبش حقوق شهروندی ایالات متحده در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ اغلب بر «معنای تعداد ما» تأکید می‌کردند. این نکته در مراسم تحلیف نسبتاً کم‌تعداد ترامپ نیز بروز کرد که تعداد همچنان مطرح است.

«معنای تعداد ما» در فضای مجازی نیز کاربرد دارد اما با توجه به شیوع روبوت‌ها و ترول‌ها هرگز نمی‌توان از تعداد واقعی در رسانه‌های اجتماعی مطمئن بود. علاوه‌بر این، تجمع افراد از طریق اینترنت مانند تجمع فیزیکی شهروندان ملموس و قابل مشاهده نیست. در انتخابات و حمایت از سیاست‌مداران خاص، احزاب و حتی سیاست‌ها نیز حضور مردم در خیابان‌ها و میدان‌ها می‌تواند پیامی مهم ارسال کند. البته پیوستن به یک تجمع در کشورهایی مانند ترکیه که دموکراسی در آن تهدید می‌شود، خطرناک است و حتی تجهیزات شوند مدرن تجمعات آنلاین را نیز خطرناک کرده است. بااین‌حال، دقیقاً همین خطرات است که به اعتراض عمومی در فضای واقعی قدرتی بیش از چیزی می‌بخشد که می‌توان آن را فعالیت آنلاین ناشناس نامید. کنارهم‌بودن در فضای فیزیکی می‌تواند حسی از ظرفیت جمعی ایجاد کند. گفت‌وگو و کنش هماهنگ با دیگران به شکلی رؤیت‌پذیر که دو طرف را تقویت کند، در کانون تجربیات دموکراتیک قرار دارد. به این ترتیب، اجتماعات فیزیکی علاوه‌بر نشان‌دادن اهداف جنبش به عامه مردم، می‌توانند تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر خود تجمعت‌کنندگان داشته باشند. در نهایت، کنش در فضای فیزیکی می‌تواند بسیار راس‌تر از کلمات در نشان‌دادن فرصت‌های جدید سیاسی و اجتماعی عمل کند.

آزادی اجتماعات را نباید به آزادی بیان و آزادی تشکیل گروه‌ها وانجمن‌ها تقلیل داد. این آزادی یک شکل متمایز و قدرتمند کنش دموکراتیک است.

آتهایی که امروز نگران تهدید و تحدید دموکراسی هستند، باید به ممنوعیت اجتماعات فیزیکی حساس باشند. حق تجمع سزوار توجه بیشتر است و باید بیشتر از آن حفاظت کرد.

سلام به فردا

سلبریتی، واقعیت یا توهم؟

آن مدنیت و دموکراسی است، نهادهای افراد انتخابی محبوب‌تر از نهادهای افراد انتصابی هستند، بنابراین می‌توان این برداشت را ارائه داد که چهره مشهوری که شهرتش انتخابی است در جامعه برتری و فضیلت پیدا می‌کند و اوقطعا از رهگذر دانایی خود به چنین جایگاهی رسیده است. به عبارت دیگر شهرتی که در فرایند عرف سلبریتی‌شدن کشف می‌شود، چون از رهگذر دانایی، اندیشه‌ورزی و خلوت‌گزینی برای تفکر نبوده است، تأثیر آینده‌سازی در جامعه ندارد. عموم سلبریتی‌ها بیش از آنکه مشمول یا مصداق یک دانایی باشند، در توهم دانستن بسر می‌برند. اگر امروز سلبریتی‌ها لااقلل در جامعه ایران کمتر چهره‌هایی فرهنگ‌ساز و انسان‌ساز هستند، به این جهت است که دانایی تحت‌الشعاع شهرت آنها قرار گرفته است و به‌علاوه رسانه با هف دیده‌شدن، فردی را چهره و سلبریتی و مشهور می‌کند و این رسانه آن‌قدر می‌تواند تأثیرگذار باشد که یک انسان دانای بافضیلت را پشت غبارها و ابرهای جامعه پنهان کند. کلام آخر آنکه سلبریتی مطلوب، انسانی است که قبل از هر چیز دانامحور و اندیشه‌ورز است و از آنجا که چه در دنیای فرالاین و چه در داخل کشور بیشتر سلبریتی‌ها از این قاعده بیرون هستند، این حتما از منظر روان‌شناسی برای آینده‌قوم‌یافته جامعه ایران کم‌خطر نیست. همچنان‌که رسانه‌های مجازی بین انسان و اندیشیدن او فاصله انداخته‌اند، سلبریتی‌ها هم می‌توانند بین مسائل اصلی و فرعی جامعه فاصله بیندازند و هواداران خود را سرگرم مسائل فرعی جامعه کنند.

آکادمی

مشق صبح، مشق ظهر، مشق شب



محمدعلی آرامی
متخصص مغز و اعصاب

در روزهای پیشین، ماجرای مشق شب یا تکالیف منزل کودکان، مورد توجه جامعه قرار گرفت و تا اعلام نظر سطوح گوناگون پیش رفت. بحث در مورد نوجوانان و جوانان نیز شکل دیگری به خود گرفت و گسترش کتاب‌های کمک‌درسی و کنکور را مورد نقد قرار دادند. به گمانم این دو بحث، موضوعات کاملاً متفاوتی هستند و از دیدگاه‌های نادرست مختلفی نشئت می‌گیرند. در مورد کودکان، غفلت مسئولان و خانواده‌ها از ارزش و جایگاه مهم بازی و روابط برای این گروه سنی، علت اصلی این پدیده است و متأسفانه این غفلت هنوز مورد توجه قرار نگرفته. جمله مشهوری از وودی آلن وجود دارد به این مضمون که ما بزرگ‌ترها هر روز باید خدا را شکر کنیم که مدرسه نمی‌رویم! واقعیت این است که رقتن به مدرسه برای کودکان همراه با استرس و اضطراب و به‌گونه ویژه‌ای اضطراب جدایی است. تلاش‌های زیادی برای کاستن از این اضطراب‌ها برای کودکان انجام شده، ولی در بهترین حالت تا حدی موفق بوده است. بپذیریم که مدرسه و ساعاتی که کودک به هر دلیل باید در مدرسه بگذراند، لازمه تمدن است و گریزی نیست، اما جایگاه بازی و ارتباطات اجتماعی و طبیعی کودک کجاست؟ در شکل‌گیری شخصیت کودک، بازی و ارتباطات نقشی به‌مراتب مهم‌تر از مطالب کتاب درسی دارند. البته ارتباط با هم‌کلاسی‌ها نیز مهم است، ولی کودک با دنیایی گسترده‌تر از مطالب گوناگون روبه‌روست که باید آنها را فراگیرد. بخشی از این مطالب آموزشی مهم، تنها از طریق بازی‌ها یاد گرفته خواهند شد. کودک برخلاف تصور والدین، سرش بسیار شلوغ است و مدام در حال یادگیری و تجربه است. یادگیری اصیل که کنجکاوانه و مشتاقانه است و در فضای صمیمی خانه و امنیت حضور مادر و پدر خیلی مؤثرتر و پایدارتر خواهد بود. جایگزین‌کردن مشق شب در منزل، خدشه به فرایند این یادگیری مهم است. به آموزش درسی در شش ساعت روز بسنده کنیم. بگذاریم کودک‌انمان روند طبیعی یادگیری و رشد شخصیت خود را در منزل و اجتماع سپری کنند، با خانواده به طبیعت بروند، به موزه‌ها بروند، بازی کنند، ورزش کنند، فیلم ببینند، نقاشی کنند و آواز بخوانند. اینها بسیار مهم هستند و هیچ مشکفی نباید جایگزین این فعالیت‌ها شود، چراکه نه‌تنها سودمند نخواهد بود، بلکه کودکانی دچار ناهنجاری‌ها خواهیم داشت. درباره نوجوانان و جوانانمان هم بلایی به نام کنکور وجود دارد که نه‌تنها از بار استرس و فشارش بر شانه‌ها و آذهان این قشر کاسته نشده که متأسفانه گویا روزبه‌روز هم رو به افزایش است. حذف کنکور در حد یک شعار باقی مانده است و این قصه سر دراز دارد...

زیر آسمان شهر

چرا مردس بنز باید جواهر نشان شود؟

خبر رونمایی از یک دستگاه مردس بنز جواهرنشان شاید به خودی‌خود چندان تعجب‌آور نباشد. خودروی جواهرنشان و مخصوصا مردس بنز جواهرنشان در دنیا بی‌سابقه نیست و می‌شود به نمونه مردس پویشده از جواهرات سواروسکی در نمایشگاه خودروی توکیو با مردس SLR میلیونیرو سوییسی که سال گذشته با تزئینات طلاوجواهر به قیمت ۱۱ میلیون دلار فروخته شد، اشاره کرد. نکته تعجب‌آور رونمایی و درواقع خوندنمایی این مردس بنز در این اوضاع وانفسای اقتصادی در یک مجتمع تجاری در شمال تهران است، اما اصلا چرا مردس بنز و آن هم مردس CLA که خودرویی با قیمت متوسط محسوب می‌شود، باید آن‌قدر تزیین شود که نتوان برای آن برآورد قیمت کرد؟ مگر قیمت یک دستگاه مردس بنز CLA۴۵ چقدر است؟ به‌طورکلی برند مردس بنز در دنیا برخلاف کشور ما عموماً به‌عنوان خودروی «پریمیوم» شناخته می‌شود، نه یک خودروی لوکس و البته مردس SLR را که یک سوپرکار با قیمتی نجومی است، باید مستثنا کرد. طبیعتاً این خودرو وارداتی در ایران با دو تا سه برابر قیمت جهانی‌اش خریدوفروش می‌شود، ولی اینکه با تزئینات پوشش جواهرنشان قیمتش چندین‌برابر شود، از آن کارهایی است که فقط می‌شود به تناقض‌های عجیب‌وغریب موجود در اقتصاد و جامعه ایران امروز نسبتش داد. به‌هرحال، به گفته مدیر شرکتی که کار تزئینک این محصول مردس بنز را انجام داد، دلیل اینکه آن را با نئکن اتسی و کاور مخصوص تزیین کرده‌اند، این است که «پوشش‌هایی که معمولاً روی خودرو نصب می‌شود و از طیف رنگ درج‌شده در سند خودرو انتخاب شده است، نیازی به کسب مجوز ندارد، مگر در مواردی که مشتری تصمیم به انتخاب کاوری متفاوت با رنگ خودرو داشته باشد که در آن صورت نیاز به مجوز از نهادهای ذیربط از ضروریات آغاز کار به شمار می‌رود». به‌عبارت بهتر، برای مجوز‌دهندگان رنگ و ظاهر مهم‌تر است تا جنس و قیمت.